

بخشهای از سخنرانی نماینده کمیته بلوچ در سمینار ۱۹ آوریل ۲۰۰۳ که در شهر گتنبگ توسط کمیته همبستگی ملتهای تحت ستم ملی- ایران برگزار شد.

تامین حق حاکمیت ملی مردم بلوچستان

در

یک ساختار ملی-فدرال

هدف از هجوم و حملات تاریخی مکرر حکومت‌های ایران به منطقه بلوچستان همواره کشتار، غارت و سرکوب ملت بلوچ بوده است. سرکوبی که در نتیجه آن هزاران نفر کشته و چندین صد هزار مجبور به ترک خانه و کاشانه خویش گشته و به کشورهای همجوار و یا سایر نقاط جهان پناه برده اند. طی این دوره ها زمامداری به القاب و عناوین مختلف بر ملت بلوچ مستبدانه و غارتگرانه حکمرانی نموده اند. سیاست شونیستی حکومت‌های مرکزی ایران که به فجیع ترین و ظالمانه ترین شکل در بلوچستان اعمال گردیده و همچنان ادامه دارد، دارای مشخصات برجسته زیر است.

۱- در زمینه اقتصادی

تحقیر و محرومیت ملت بلوچ در عملکردهای متفاوت و کنترل شده اقتصادی دولت تبلور یافته است. با کشیدن مرز در قلب بلوچستان که واحدی مشترک در طول پروسه تاریخی چندین هزار ساله بوجود آمده و تقسیم آن به بلوچستان غربی (ایران)، بلوچستان شرقی (پاکستان) و بلوچستان شمالی (افغانستان) سبب رکود مبادله بازرگانی سنتی در مجموعه جغرافیای بلوچستان شده و موجب فقر بیشتر گردیده است. در مقابل دولت بورژوازی حاکم، اقتصاد در بازار بلوچستان را انحصاری نموده است. از آنجا که اعمال قدرت و تأمین منافع خویش را در مصرفی بودن جامعه بلوچستان میبیند، با فروش کالاهای خویش و تداوم این سیاست که ابزاری برای سرکوب است از رشد تولیدی و صنعتی بلوچستان جلوگیری مینماید.

در حالیکه حکومت آخوندی ایران از مدتها قبل در جهت حفظ و تقویت قدرت سیاسی و اقتصادی خود و کنترل بیشتر منطقه، چابهار شهر بندری بلوچستان را منطقه آزاد تجاری اعلام نموده است. مردم بلوچستان عموماً و ساکنین حوزه چابهار خصوصاً در رویارویی با سیاست سرکوبگرانه و استثمار حکومت و آثار شوم دردناک آن خود را تدریجاً تحقیر شده و بیگانه می یابند. امکانات اقتصادی، اجتماعی و اداری منطقه آزاد با برنامه ای حساب شده به افراد غیر بلوچ و غیر بومی واگذار میشود و حتی کارکنان عادی طرح ها از مناطق دیگر ایران تأمین میگردد تا عملاً مردم بلوچ در سرزمین خویش در اقلیت قرار گیرند.

کشاورزی در بلوچستان رشد نیافته است. بدلیل عدم امکانات و حمایت دولتی و ادامه کاشت سنتی میزان تولیدات کشاورزی در منطقه بسیار پایین است که موجب فقر شدید در میان دهقانان شده است. تقسیم زمین های حاصلخیز بلوچستان به غیر بومیان و حمایت آنها ادامه سیاست بلوچ ستیزی جمهوری اسلامی و اجرای پروژه در اقلیت قرار دادن بلوچها در بلوچستان است.

۲ - در زمینه اجتماعی و سیاسی

ایران کشوری چند ملیتی با مذاهب گوناگون است. طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی مذهب رسمی کشور شیعه اثنی عشری است. رئیس جمهور باید شیعه باشد و در اجرای امور با ولی فقیه که بر اساس سلسله مراتب مذهب شیعه اختیارات او در قانون اساسی بعنوان حاکمیت مطلقه فقیه تعیین شده است، مشورت نماید. مجلس اسلامی موظف است قوانینی را به تصویب برساند که طبق شرع مذهب شیعه باشند. این قوانین با منافع ملی، فرهنگ اجتماعی، سیاسی و مذهبی بلوچستان در تضاد هستند. قانون اساسی ایران با تأکید شیعه گری عملاً اساس جامعه ای آپارتاید را در ایران پایه گذاری کرده است.

تمامی مقامات بالای دولتی در بلوچستان غیر بلوچ و غیر بومی هستند که فقط برای پیشبرد سیاست های شونیستی سرکوب و چپاول به بلوچستان اعزام گشته اند. تبعیض اداری در بلوچستان سبب شده است که تحصیل کرده های بلوچ فقط به کارهای کم درآمد و کم اهمیت گماشته شوند. این امر موجب بیکاری غیر قابل قبول و مزمن در بین مردم بلوچستان شده است.

با زنان و دختران جامعه بلوچ به شیوه های کاملاً قرون وسطایی رفتار شده و با محرومیت از خدمات اداری، اجتماعی و حقوق مدنی مورد تحقیر قرار میگیرند. زن بلوچ مورد ستم ملی، طبقاتی و جنسی است.

هرگونه سازماندهی سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و صنفی در ایران بخصوص در مناطق بلوچ نشین ممنوع و منجر به تعقیب، زندان، آوارگی، ترور و اعدام میشود. طبقات و اقشار مختلف اجتماعی از قبیل کارگران، دهقانان، روحانیون کارمندان، و دانش آموزان بلوچ فاقد هر گونه سازماندهی برای دستیابی به حقوق اولیه خویش هستند.

۳- در زمینه آموزشی

ملت بلوچ مانند سایر ملتهای تحت ستم ایران از آموزش به زبان مادری محروم است. آموزش به زبان غیر مادری در بلوچستان موجب گشته است که سطح فراگیری کودکان بلوچ در مدارس بسیار پایین آید. برای راه یابی جوانان بلوچ به دانشگاهها عملاً سدهایی وجود دارد که مانع ورود آنها به دانشگاه ها میشود. درصد بالایی از افرادی که به دانشگاه ها وارد میشوند به دلیل تبعیضات و فشارهای دولتی مجبور به ترک تحصیل شده و یا اخراج میگردند. این عوامل موجب کاهش کمی تحصیلمکرده دانشگاهی بلوچ شده است. نگاهی دقیق به ماهیت و آثار سیاست آموزشی رژیم در بلوچستان، تبلیغ و ترویج شیعه گری در مدارس بخوبی نشان میدهد که هدف اصلی حکومت مذهبی ایران شستشوی مغزی اطفال و نوجوانان بلوچ، محو فرهنگ و خصلتهای قومی و زدودن احساس ملی گرایی در جوانان و تلقین شیعه گری در آنان است.

۴- نقش نیروهای سرکوبگر

نیروهای نظامی و انتظامی همواره ابزار سرکوب ملتهای ایران در دست حکومتگران شونیستی بوده و هستند. نیروهای سرکوبگر علاوه بر فعالیتهای سرکوبگرانه، چپاول و قاچاق مواد مخدر به فعالیتهای غیر انسانی دیگر از قبیل ایجاد اختلاف بین طوایف مختلف بلوچ و درگیریهای فردی و خانوادگی مبادرت میورزند. بطوریکه دولت از طریق سازمان اطلاعات و سپاه پاسداران و... آگاهانه و با نقشه های طرح شده قبلی طوایف بلوچ را بجان یکدیگر انداخته و با پشتیبانی از گروههای درگیر آنها را مسلح میسازد و از این طریق سبب کشتار بیشتر مردم میشود.

عاملان کشتار نه تنها دستگیر و مجازات نمی‌شوند بلکه مورد تشویق و حمایت پنهانی حکومت قرار می‌گیرند. این عملکرد رژیم باعث تداوم و تقویت نظام طایفه ای در مناطقی از بلوچستان میشود که پتانسیل بیشتر برای بهره برداری حکومت دارد تا آنرا بعنوان ابزاری بر علیه جنبش ملی بلوچستان بکار گیرد.

نیروهای سرکوبگر رژیم به هیچ کس جوابگو نیستند. آنها حاکم بر جان و مال مردم بوده و از قدرت خود به اشکال مختلف سوء استفاده مالی، تجاوز به حریم خانواده، اذیت و آزار زنان و کودکان و دستگیری نیروهای دگراندیش و مخالف رژیم استفاده میکنند.

بدیهی است که هدف اصلی این سیاستهای شونیستی حکومتهای مرکزی ایران، تحقیر و حذف هویت ملی و از بین بردن فرهنگ و زبان مردم بلوچستان است. ادامه این سیاست های استبدادی مانع پیشرفت طبیعی در جهت رشد سالم و دموکراتیک در جامعه بلوچستان شده است. عملکرد حاکم در ادوار مختلف باعث تشدید خصومت ملی بین جامعه بلوچ و حکومتگران که گاهی بنام شاهی مقتدر و اخیراً بنام مذهب و فرهنگ مسلط فارسی حکومت میکنند، شده است. اختلافات موجود به درگیریهای خشونت آمیز منجر شده که گذشت زمان و حاکمیت رژیم های دیکتاتور به سرعت آنها شدت بخشیده است.

حاکمیت استبدادی با سلب حاکمیت ملی و حق تعیین سرنوشت مردم بلوچستان هرگونه امکانی را برای رشد اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی را از بین برده است. در حالیکه دیکتاتوری مطلق حکمفرما است، رژیم حاکم بر ایران از طریق نمایندگان انتقالی غیر بلوچستانی پست های مهم را کنترل کرده و از طریق عاملان خود عملاً با مردم بلوچستان به سان مستعمره دولت مرکزی رفتار میکند.

این عملکرد ضد ملت بلوچ زمانی پایان می یابد که تمامی ملت های ایران به حق حاکمیت خویش در یک نظام فدرال دموکراتیک بر اساس ملی_فدرال دست یابند. حاکمیت ملی مردم بلوچستان، از طریق کنترل مردم بر سرزمین خویش و تأمین حق تعیین سرنوشت در انتخاب دولت بر اساس رأی اکثریت مردم، همچنین انتخاب مستقیم حکومت های محلی و دولت های شهری تأمین میشود. تمامی این پروسه ها از طریق رأی آزادانه و مخفی مردم در انتخاباتی آزاد و دموکراتیک انجام میشود.

حاکمیت ملی در اتحاد با دیگر ملت ها بر اساس ساختاری برابر، از طریق نظامی ملی_فدرال با تأمین دو اصل ذیل تأمین میشود:

۱_ اشتراک در بالاترین ارگان های قانونگذاری و اجرایی و قضایی.

۲_ در تمرکززدایی، خودمختاری داخلی در امور اقتصادی و سیاسی مربوط به واحد ها تأمین میشود. دولت ملی_فدرال در ایران بشکل واحد های ملی که مرزهای آنها بر اساس زبانهای ملت های ایران در درون کشور تعیین میشود شکل می یابد. این واحدهای فدرال بدون توجه به جمعیت و یا وسعت جغرافیایی به سان واحدهای برابر در سه قوه قانونگذاری، قضایی و اجرای دارای حقوق و قدرت برابر هستند.

بلوچ کمیته _سوئد سال ۲۰۰۳ م

ناصر بلیده ئی

